

عصر مبارزه حکومتی با حجاب

درباره تاریخ حجاب در ایران از جمله مسأله کشف حجاب در دوره رضاشاه و نیز وضعیت حجاب در دوره پهلوی دوم، کتاب‌های بسیاری نوشته شده اما یکی از مباحثی که به دلایلی مغفول مانده، مشکلات زنان محجبه در زمان کشف حجاب و واکنش‌های مختلف آنان در مورد کشف حجاب است. در این مقاله در حد امکان به این مسأله پرداخته می‌شود.

وضعیت پوشش زن ایرانی پیش از انقلاب اسلامی

دوران پهلوی اول، نخستین بزرگراه تاریخی ایران است که حکومت درباره نوع پوشش زنان، اعمال قدرت می‌نماید. مهم‌ترین ویژگی اعمال قدرت در این دوره، استفاده از اجبار در حذف چادر و پوشش در مورد زنان است که با نام «کشف حجاب» از آن یاد می‌شود. کشف حجاب واکنش‌های مختلفی در بین زنان برانگیخت که در دنباله مطالب به آن اشاره می‌کنیم.

واکنش اقشار مختلف زنان

برای بررسی و تحلیل دقیق‌تر واکنش زنان در برابر کشف حجاب، لازم است واکنش اقشار مختلف زنان را به صورت جداگانه مورد توجه قرار داد:

واکنش زنان امراء، رجال سیاسی و اشراف

زنان اشراف و رجال درباری اگرچه اکثرا به رفع حجاب پرداختند اما در فراهم آوردن زمینه کشف حجاب یا پیشبرد آن در مقایسه با زنان طبقه روشنفکر و تحصیلکرده که با نظام جدید آموزشی و سیر تجددگرایی ارتباط بیشتری داشتند، فعالیت چشمگیری نکردند. در حقیقت، آنان بیشتر برای حفظ موقعیت سیاسی اداری همسران‌شان، رفع حجاب کردند و از طرفداران پروپاقرص این طرح شدند. در میان همسران رجال و امراء، معدود زنانی هم بودند که با قضیه کشف حجاب همگام نبودند. همسر مخبرالسلطنه و همسر صدرالاشراف -وزیر عدلیه رضاشاه- با کشف حجاب میانه‌ای نداشتند. او پس از آن‌که با الاجبار در مراسم مربوط به کشف حجاب، به عنوان میزبان شرکت کرد، از شدت ناراحتی چنان بیمار شد که دیگر از خانه بیرون نیامد و تا یک سال بعد درگذشت و چنان‌ه او را از خانه بیرون برند. اینها نادر زانی بودند که انگیزه‌های مذهبی و سنتی قوی، مانع از حضورشان به صورت بی حجاب در جمع دیگر خانواده‌های رجال و امرای مملکت می‌شد.

واکنش زنان روشنفکر و تحصیل کرده

کشف حجاب در ایران به دست زنانی که اکثرا تحصیلکردگان غرب یا مدارس آموزشی پاپید بودند، پایه‌ریزی شد و در نتیجه فعالیت‌هایی که طی دو دهه ادامه داشت، آنان به عنوان پیشگامان کشف حجاب، انجمن‌ها و محافل زنان را پایه‌گذاری کردند و به اشاعه افکار و اندیشه‌های غربی درخصوص مسأله زنان و حقوق آنان در نشریات و جراید کشور پرداختند. آنها با پشتوانه دولت، روزبه‌روز آهنگ رفع حجاب و بی حجابی را سرعت می‌بخشیدند و پس از اعلام رسمی طرح حکومتی، فعالیت خود را بیش از پیش گسترش دادند.

واکنش زنان سایر طبقات شهری

این قشر زنان که پیوستگی بیشتری با مذهب و سنت‌های اجتماعی داشتند، در برابر کشف حجاب از خود واکنش نشان دادند. زنان کارمند، در بسیاری از مواقع به بهانه‌های مختلفی از شرکت در جشن‌ها و مهمانی‌ها سر باز می‌زدند. هرچه بیشتر با آنان برخورد نماید، به طوری که زنان دیگر طبقات در سطح وسیع‌تری نسبت به این قضیه عکس‌العمل نشان دادند و خصوصا در ابتدای امر، حاضر به ترک چادر نشدند. به همین علت پلیس نیز مأموریت داشت با شدت هرچه بیشتر با آنان برخورد نماید. به طوری که «چادر از سر زنان برمی‌داشت و به ضرب و جرح آنان می‌پرداخت». در مقابل، زنان نیز سعی می‌کردند از رفت‌وآمد در کوچه‌ها و خیابان‌ها جز به وقت ضرورت خودداری کنند. مثلا در مشهد «با برداشته شدن چادر در خانه‌های مشهد تغییر تازه‌ای روی داد و آن این بود که خانواده‌های متدین در منزل خود حمام ساختند» تا زنان‌شان مجبور نباشند حتی برای رفتن به حمام از خانه خارج شوند. در آن زمان «زیارت امام رضا (ع) نیز تقریبا در تمام مدت روز تعطیل بود و بانوان هنگام شب و دیروقت به زیارت می‌رفتند». در میان آنان، زنانی بودند که سال‌های جوانی را پشت سر نهاده و در میانسالی، بعد از عمری به سر بردن در حجاب، بی حجابی را به هیچ عنوان نمی‌توانستند تحمل کنند؛ زیرا تن دادن به این رفتار در نظر آنان به معنی از دست دادن حیثیت و آبروی گذشته بود.

انجام که به ناگزیر کشف حجاب کردند در ابتدای امر فقط چادر را کنار گذارده و به جای آن از کلاه استفاده می‌کردند و وقتی که کلاه بر سر می‌گذاشتند آن را حتی الامکان پاپید می‌کشیدند و گاهی یک بلوز چین دار تن می‌کردند و عینکی سیاه بر چشم می‌گذاشتند، به طوری که چین‌های بلوز، نیمی از صورت و تمام گلولی‌شان را می‌پوشاند اما به تدریج تغییراتی در وضع پوشش جدید آنها در شهرهای بزرگ، خصوصا در تهران روی داد. این تعداد کم با توجه به عدم حضور زنان محجبه در انتظار عمومی به واسطه شدت عمل پلیس، بسیار زیاد به نظر می‌رسید. تبلیغات این عده اندک در رسانه‌های وابسته آن زمان نیز در

سطح وسیعی منعکس می‌شد تا برای زنان محجبه اثبات کند که دوران حجاب رو به افول است.

واکنش زنان روستایی و عشایری

در مراحل اولیه کشف حجاب از سوی حکومت، حساسیت خاصی نسبت به نحوه پوشش زنان روستایی نشان داده نمی‌شد اما پس از مدتی که کشف حجاب تا حدودی در شهرها جا افتاد، برنامه‌ریزی برای تغییر پوشش زنان روستایی و عشایری نیز آغاز شد. عشایر بر اساس این طرح مجبور بودند چارقد را از سر بگیرند اما این اجبار فقط بخشی از برنامه حکومت برای آنان بود. مطابق برنامه‌ای که در آن زمان برای روستاییان و عشایر در نظر گرفته بودند: «زنان ایلانی و دهاتی باید از لباس سنتی خود دست برداشته و به لباس زنان شهری در می‌آمدند. معلوم بود که اجرای چنین فرمانی با توجه به وضعیت جغرافیایی مناطق و نوع شغل که مستلزم همان لباس سنتی بود برای آنها میسر نبود. از سوی دیگر آنها نمی‌توانستند در مقابل این فرمان، همانند زنان شهری مبارزه منفی در پیش

گیرند و خانه‌نشینی اختیار کنند، چراکه ناگزیر از کار در مزارع و مراتع بودند و درحقیقت علاوه بر کارهای منزل، نیمی از این امور را در خارج از خانه بر دوش داشتند. از این رو به گفته یکی از مأموران امنیه، زن‌های روستایی و عشایری برای آن‌که از اجرای دستور طفره روند و در چنگال مأموران نیفتند، صبح‌ها خیلی زود از خانه خارج شده و از بیراهه به محل کار خود می‌رفتند و عصرها هنگامی برمی‌گشتند که هوا کاملا تاریک شده بود یا روبه تاریکی می‌رفت. در بعضی مواقع نیز با دادن مبلغی پول به رئیس پاسگاه، آزادی عمل می‌یافتند.

در بعضی مناطق به جز نیروهای انتظامی، افراد ذی نفوذ (کدخداها و خان‌ها) نیز برای اجرای طرح و جلوگیری از حجاب و معرفی متخلفان مورد استفاده قرار می‌گرفتند. به‌رغم ایجاد محدودیت علیه زنان روستایی و عشایری، سیر کشف حجاب در این مناطق به‌کندی پیش می‌رفت و آنها هنگامی که برای کار ضروری وارد شهرها می‌شدند، پوشش سنتی خود را به همراه داشتند و دولت نیز برای تغییر رفتار آنها سرمایه‌گذاری کمتری می‌کرد.

زنان روستایی و عشایری نسبت به پذیرش

کشف حجاب، چندان از خود تمایلی نشان ندادند هرچند سعی مجریان طرح بر آن بود تا زنان این مناطق به لباس متمدنان دنیا درآیند، اما اجرای این دستور نیاز به برنامه‌ریزی بلندمدت داشت. فرصتی که در دوران سلطنت مطلقه رضاشاه به دست نیامد. در دوره پهلوی دوم تا حدودی با آشناسازی زنان روستایی و عشایری با فرهنگ غربی شهر از طریق سپاه دانش و با تشکیل کلاس‌های پیکار با بی‌سوادی در روستاها، اقداماتی در این زمینه صورت گرفت. با همه این فعالیت‌ها، همراهی زنان روستایی و عشایری با طرح کشف حجاب، رضایت برنامه‌ریزان را جلب نکرد.

دولت برای پیشبرد کشف حجاب از دو طریق وارد عمل شد: یکی از طریق سیاست تشویق و دیگری تنبیه. اتخاذ این دو روش ابتدا به موازات هم نبود، بلکه اولی بر دومی پیشی می‌جست اما بعد از مدتی دومی بر اولی غلبه یافت.

در راستای اجرای روش اول، ابتدا برگزاری مجالس جشن و سرور بین کارمندان دولت که قابل کنترل بودند و نیز با برنامه تجددطلبانه رضاشاه موافقت بیشتری داشتند، صورت پذیرفت و آن‌گاه به دیگر اقشار سرایت کرد.

حکام بعضی از شهرها به بهانه‌های مختلف از قبیل افتتاح مدارس و مراکز تفریحی و ... مردم را دعوت می‌کردند که الفبای کشف حجاب را از کارکنان دولت و خانم‌های‌شان بیاموزند. اقدام دیگری هم در نظر گرفته شده بود و آن این‌که کارکنان دولت دستور

یافته بودند به اتفاق خانم‌های‌شان در مواقع غیراداری، عصرها در خیابان‌ها گردش و عبور و مرور کرده، سرمشق اهالی باشند.

مهم‌ترین نکته‌ای که طی سخنرانی مسئولان در این جشن‌ها به چشم می‌خورد، حملات شدید و بی‌رحمانه علیه حجاب و ترسیمی زشت و منفور از چهره حجاب است؛ به طوری‌که سعی مداحان طرح این بود تا انواع فسق و فجور زنان را به حجاب و چادر مربوط سازند و در مقابل آن رفح حجاب را مترادف تقوا و پاکی زنان و هماهنگی آنها با ترقی و تمدن جامعه بشری محسوب کنند؛ با تأکید بر این‌که ترقی و تمدن همانا رعایت فرهنگ و آداب غربی است.

شایان توجه است که برای حمله به حجاب، گاهی از توجیهات مذهبی نیز استفاده می‌شد. چنین استاد می‌کردند که مسأله حجاب در مملکت ما چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام وجود نداشته است. عده‌ای دیگر حجاب و چادر را تحفه قوم وحشی و بربر عرب و تحمیل آن بر جامعه ایرانی می‌دانستند. حال آن‌که به قول مخبرالسلطنه، چادر رسم ایرانیان بوده و از قدیم‌الایام خود را به رعایت

آن ملزم می‌دانسته‌اند.

پس از آن‌که مدتی از اعلام رسمی کشف حجاب و منع حجاب گذشت و در شهرهای مذهبی و سنتی تمایلی جهت اجرای طرح از سوی خانواده‌ها صورت نگرفت، چهره دوم این سیاست یعنی اقدامات انتظامی و تنبیهی خود را نمایاند. در راستای آن به مأموران دستور داده شد با کمال جدیت نسبت به اجرای مقصود با تشویق و وسایل دیگر به‌طور دائم مراقبت کنند.

با استقرار پاسبان‌ها در معابر عمومی، آمد و رفت زنان چادری کنترل می‌شد و برای برداشتن چادر نخست به آنها اخطار می‌شد و در صورت عدم توجه، چادر را از سر آنها کشیده و اگر ارزش می‌داشت ضبط و در غیر این صورت پاره‌پاره می‌کردند. به همین سبب، بانوانی که ناگزیر بودند برای رفع حوائج ضروری از منزل خارج شوند، با پوشیدن پالتوهای یقه دار و بلند و به سر گذاردن کلاه‌های گشاد که تمامی موی سر را در بر می‌گرفت و نیز بعضا با استفاده از عینک‌های دودی بزرگ که قسمت اعظم صورت را می‌پوشاند، در خیابان‌ها و معابر عمومی ظاهر می‌شدند. این عکس‌العمل زنان موجب شد تا از سوی رئیس دولت بخشنامه‌ای به ولایات صادر و استفاده از این رویه ممنوع شود.

با التزام گرفتن از کارآزادها که زنان چادری را سوار نکرده و با گماردن مأموران انتظامی در زیارتگاه‌ها که زنان چادری را راه ندهند، و نیز ممناعت از رفتن زنان چادری به حمام از یک طرف و نظارت بر کار حمامی‌ها از طرف دیگر که مبادا زن باحجابی به حمام راه دهند، روزبه‌روز دایره فعالیت و حضور مأموران دولتی علیه زنان محجبه گسترده‌تر شد.

این برخوردانها اختصاص به زنان محجبه و مدافعان حریم مکتب نداشت، بلکه شامل کارمندان دولتی متخلف نیز می‌شد. انفصال از خدمات دولتی، قطع حقوق ماهانه و منتظر به خدمت نمودن، گوشه‌ای از این برخوردها با کارکنان متخلف است. اما بعد از شهریور ۲۹ و دگرگونی اوضاع، در دستورالعمل‌های صادره، سیاست تشویق بر سیاست تنبیه ترجیح یافت. بعد از خروج رضاشاه از ایران و با فراموش شدن اجرای قانون کشف حجاب، عده‌ای از زنان مجدداً به چادر روی می‌آوردند تا جایی که مورد اعتراض فعالان زنان از جمله اعضای کانون بانوان قرار می‌گیرد.



۲-۱۵- ممنوعیت ورود کودکان و نوجوانان چادریه‌سر به کتابخانه‌ها؛

۲-۱۶- محرومیت از شرکت در هرگونه مجامع عمومی؛

اقدامات جنبی

۱- اجرای مطلوب تصمیمات کوتاه‌مدت، مستلزم اقداماتی به شرح زیر است:

۱-۳- همکاری وسایل ارتباط جمعی در توجیه مقام زن و برداشت همه جانبه در این زمینه؛

۲-۳- همکاری وسایل ارتباط جمعی در ارائه جنبه‌های منفی چادر و ارتباط آن با عقب‌ماندگی؛

۳-۳- همکاری وسایل ارتباط جمعی در ایجاد برداشت صحیح از لباس متناسب؛

۴-۳- تحقیق، نگارش و چاپ مقالات مستند در زمینه‌های مربوط؛

۵-۳- توسعه کارخانجات پوشاک و در دسترس قرار دادن لباس‌های ارزان قیمت همراه با روسری که جایگزین چادر گردد. این طرح در واقع نشان دهنده فهرست کاملی از مشکلات زنان محجبه در آن زمان بود.

مکتب

اصلاحات محمدرضا شاه در مورد کشف حجاب

هماهنگی امور اجتماعی نخست‌وزیری مورخ ۱۳۵۵/۹/۱۰ طرحی برای حذف چادر از پوشش زنان ارائه می‌شود. به نظر می‌رسد حکومت پهلوی دوم برای حذف نهایی چادر، خود را ناچار به استفاده از اقدامات پهلوی اول می‌بیند که درنهایت، آشفته‌گی وضعیت سیاسی کشور در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ مانع از اجرای این طرح می‌شود.

اصلاحات محمدرضا شاه در مورد کشف حجاب در دو بخش فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی سازمان یافته بود. به نظر می‌آید همزمان با اجرای سیاست‌های فرهنگی، زنان و دختران به شیوه‌های مستقیم یا غیرمستقیم از استفاده چادر در مکان‌های آموزشی منع می‌شدند اما به‌نظر می‌رسد حذف چادر با سیاست فرهنگی مورد نظر پیش نرفت و درنهایت در شورای

نکته

بخشی از سند «طرح حذف چادر» در دوران پهلوی دوم مصوب در سال ۱۳۵۵

اقدامات مؤثر در بلندمدت

۱-۱- استفاده از رسانه‌های گروهی؛

الف) ایجاد هماهنگی لازم بین رسانه‌های گروهی و متون کتاب‌های درسی برای دگرگونی باورداشت‌های فعلی در زمینه ارتباط چادر با معتقدات اخلاقی و مذهبی؛

ب) ایجاد هماهنگی کامل بین برنامه‌های تلویزیون، رادیو، محتوای مطبوعات با متون کتب درسی در تغییر تصویر ذهنی زن؛ ج) بهره‌گیری از سهم تلویزیون در بزرگداشت پوشاک محلی و نشان دادن جنبه‌های دست‌وپاگیر چادر؛

۲-۱- استفاده از نفوذ روحانیون و سپاهیان دین؛ الف) انتشار مقالات و نشریات مخصوص و اشاعه محتوای این نشریات توسط روحانیون معتبر و سپاهیان دین؛

ب) بهره‌گیری از نفوذ کلام روحانیون دانشمند و شناخته‌شده در جهت تفکیک مفهوم حجاب از چادر؛

۳-۱- بهره‌گیری از فعالیت سازمان‌های اجتماعی و آموزشی؛

الف) استفاده از خدمات سازمان‌های اجتماعی و آموزشی در

دگرگونی بنیادی باورداشت همگان از رابطه بین چادر و معتقدات مذهبی و اخلاقی؛

ب) بهره‌گیری از فعالیت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در تهیه متون کتب و فیلم‌ها در جهت دگرگونی‌های ذکرشده؛ ج) آموزش غیرمستقیم کودکان در مدارس به منظور انتقال این دریافت‌ها به بزرگ‌ترا؛

د) گنجاندن مواد خاص در آموزش‌های جنبی کانون‌ها؛

اقدامات مؤثر در کوتاه‌مدت

۱-۲- ممنوع بودن چادر برای دانش‌آموزان و دانشجویان؛

۲-۲- استفاده از پوشش متحدالشکل در مدارس؛

۳-۲- اجرای کامل قانون تعلیمات اجتماعی اجباری در مورد خانواده‌هایی که از مدرسه رفتن دختران خود جلوگیری می‌کنند؛

۴-۲- ممنوعیت بانوان کارمند از استفاده از چادر؛

۵-۲- محرومیت زنان کارمندی که از چادر استفاده می‌کنند از دسترسی به مقام‌ها و موقعیت‌ها و همچنین از تشویق؛